

■ ما واقعاً اهل کجاییم؟

از کجا اومدیم و قراره کجا بریم؟



■ ما اهل کجاییم؛ توی این دنیا چه کار می کنیم و خونه اصلی ما کجاست؟

خونه آدم کجاست؟

ای بابا!

منظورم کشور و شهر و آدرس خونه تون نیست!

«خونه انسان» یعنی جایی که ما ازش اومدیم کجاست؟

انسان قبل از این دنیا کجا بوده؟

واه این دیگه چه سوالیه؟! اصلاً آگه ما قبلا یه جایی بودیم؛

چرا هیچ چی یادمون نمیاد؟

■ توی مجله‌ی هفتم برنا گفته بودیم که ما هیچ وقت تموم نمیشیم!
حالا توی مجله‌ی هجدهم برنا میخوایم بگیم:

همه‌ی ما یه روزی برمی‌گردیم به همون جایی که ازش اومدیم!
یعنی خونه‌ی واقعیمون

ولی این خونه‌ی واقعی کجاست؟
چرا ما برای مردن از کلمه «وفات، یعنی بازگشت» استفاده می‌کنیم؟

اصلا مگه میشه به جایی که قبلا نبودیم برگردیم؟

سوال جالبیه نه
اگه تا اینجا همراه ما اومدی، باید بهت بگم که این سوال فقط
جالب نیست! خیلی خیلی هم مهمه

دولو ویدئو

■ بازگشت به کجا؟



QR کد را اسکن کنید.



■ حتماً تا حالا خیلی ها ازمون پرسیدن که اهل کجاییم؟

ما هم بایه ژست حاکی از دانایی بهشون گفتیم که اهل فلان شهر و فلان محله ایم! حالا اگه یه مشت آدم فضایی دورمون جمع بشن و بخوان بدونن اهل کجاییم، چی می‌گیم؟ لابد با افتخار بهشون می‌گیم که اهل همون سیاره‌ی آبی رنگی هستیم که یه خورده اون ورتر از مریخ داره دور خودش می چرخه و سالی یه بار هم یه دوری دور خورشید میزنه!

■ حالا یه سؤال! خداییش ما اهل زمینیم؟ اگه اهل اینجاییم پس چرا خیلی به اینجا ربط و ارتباطی نداریم؟ یعنی اینجا بعضی چیزها هستند، که کلاً با گروه خونی مون متفاوتند؛ مثلاً ما اصلاً از محدود بودن خوشمون نمی‌یاد، ولی از شانس ما هرچی که تو این دنیا دور و برمون می‌بینیم، مادی و محدوده! یا اینکه هر کاری می‌کنیم، خونه و ماشین و مدرک و این جور چیزها بهمون یه آرامش دائمی نمیدن و مدام دنبال عوض کردنشونیم! یه وقتایی انقدر نیازها و خواسته هامون با شرایط دنیا فرق می‌کنه که واقعاً حس می‌کنیم، مال اینجا نیستیم. درست مثل اینکه یه آدم اهل تبت و چین تایپه رو ببریم آفریقا و به زور بخوایم بگیم که آفریقاییه! می‌دونین چیه، ما از بس به این دنیا عادت کردیم که فکر می‌کنیم خونه مون همین جاست و از اولش هم همین جا بودیم! واسه همینم وقتی یکی می‌میره کلی غصه می‌خوریم و ناراحت می‌شیم که چرا رفت و ما رو تنها گذاشت! در صورتی که قضیه کلاً فرق می‌کنه! یعنی اون تازه داره برمی‌گرده خونه و جایی که ازش به این دنیا اومده و این ماییم که الآن تو خونه نیستیم. حالا اصلاً چرا باید بدونیم که از کجا اومدیم، داریم اینجا چی کار می‌کنیم و قراره کجا بریم؟

■ وسط‌ناکجاآباد دنیا!

■ فکر کنین چشمون رو که باز می‌کنیم، وسط‌یه بیابونیم و هیچ‌چی از خودمون و موقعیتمون نمی‌دونیم. نه می‌دونیم از کجا اومدیم، نه می‌دونیم چرا اینجا افتادیم و نه اصلاً خبر داریم که قراره چه کار کنیم؟ این جور خیلی هنر داشته باشیم، می‌تونیم تو کل عمرمون یه سرپناهی برای خودمون درست کنیم و نهایتاً خودمون رو سیرنگه داریم. یعنی یه عمر مشغول خودمون و کارهای روزمره مون میشیم؛ درست مثل بعضی از گیم‌ها و بازی‌های کامپیوتری که ما رو وسط‌ناکجاآباد رها می‌کنن! اما آخه دنیای واقعی ما با گیم خیلی فرق داره. هم عمرمون محدوده، هم مثل کاراکترهای توی بازی چندتا جون نداریم که اگه یکیش رو از دست دادیم، اون یکیش رو فعال کنیم. ما که الکی به این دنیا نیومدیم. بیخودی هم خونه‌ی اصلی خودمون رو ول نکردیم! پشت اومدن ما به دنیا یه هدف خیلی بزرگه؛ حتی اگه حواس خودمون هم بهش نباشه! که البته اگه اینو ندونیم، کلی ضرر کردیم! حالا اصلاً این خونه که هی داریم ازش حرف می‌زنیم کجاست؟ ما که این همه ساله داریم رو زمین زندگی می‌کنیم، چه جوری ادعا می‌کنیم که خونه مون یه جای دیگه‌ست؟ مگه فرقی هم می‌کنه اهل کجاییم و از کجا اومدیم؟

دوستم

بچه‌ها از کجا میان؟
آدم‌ها بعد مردن کجا میرن؟
جالبه که جواب جفتش یکیه‌ها!
واسه‌ی همینه که به زندگی میگن
«سفر زندگی»!

یعنی از یه جای دیگه شروع شده
و با برگشتن به همون جا هم
تموم میشه.



QR کد را اسکن کنید.



خونه ما کجاست؟

میدونین فرق ما با بعضی از آدم‌ها چیه؟ اینه که زندگی مون رو فقط از اون موقع که به دنیا میایم تا لحظه‌ای که می‌میریم، نمی‌دونیم! یعنی زندگی دنیا واسه مون فقط یه بخشی از زندگیه. ما می‌گیم زندگی مون قبل از دنیا و از اون وقتی که تو بی نهایت و پیش خود خدا بودیم شروع شده، بعد از این دنیا هم دوباره برمی‌گردیم به خونه‌ی اصلی مون و زندگی برامون همچنان ادامه داره؛ اگه این‌ها رو بدونیم، دیگه دیدمون هم به دنیا عوض میشه و واسه‌ی بالا و پایین‌هایی که داره، زود از کوره در نمی‌ریم؛ چون می‌دونیم اصل زندگی مون یه جای دیگه‌ست.

پس واسه‌ی ما مهمه که از کجا اومدیم و اهل کجاییم؛
کارمون تو این دنیا چیه و بعدش قراره کجا بریم!
چون اگه ندونیم اهل کجاییم و خونه مون کجاست، راه برگشتمون
به خونه رو هم گم می‌کنیم و سر از ناکجاآباد درمیاریم؛ درست مثل
یه کسی که آلزایمر داره و نمی‌دونه چه جوری باید برگرده خونه.

یادتونه که گفتیم ما انسانیم و فرقمون با بقیه‌ی موجودات بخش انسانی
و فوق‌عقلمونه؟ همون که زوجش بی‌نهایت و فقط با بی‌نهایت می‌تونه
به آرامش برسه؟ خب این حرف‌ها یه معنی بیشتر نمیده.

اون هم اینه که ما از قبل بی‌نهایت رو می‌شناسیم؛
یعنی نه تنها می‌شناسیمش که باهاش سنخیت و هماهنگی هم داریم؛
اصلاً چون قبلاً تجربه‌اش کردیم و باهاش بودیم، می‌خوایمش و
واسه‌ی رسیدن بهش به این در و اون در می‌زنیم. بذارین راحتتون کنم
ما از پیش بی‌نهایت یعنی خود خدا به اینجا اومدیم. خونه‌ی اصلی مون
هم همون جاییه که ازش اومدیم، یه جای بی‌نهایت و نامحدود یعنی
پیش خود خدا! اصلاً بودن ما تو این دنیا کوتاه و موقتی‌ه؛ چون بعدش
دوباره باید برگردیم همون جا که بودیم؛ مثل یکی که از شهر و خانواده‌اش
جدا شده و چند سال اومده تو خوابگاه که درس بخونه،
ولی کارش که تموم بشه برمی‌گرده پیش خانه و خانواده‌اش!

■ حالا مسئله اینجاست که دقیقاً مشکل ما چی بوده که خونه مون رو با اون همه خوشبختی ول کردیم و سر از دنیا درآوردیم؟ مگه اونجا کنار زوج بخش انسانی مون نبودیم؟ خب برای جوابش اول ویدئو رو ببین:



QR کد را اسکن کنید.



■ دقیقاً اینجا چه کاری کنیم؟

■ میدونین چیه، اصل سفر ما به دنیا به هدف خلقتمون برمی‌گرده، یعنی اومدیم اینجا تا شبیه خدا بشیم! مثل خدا نامحدود و صاحب کمال بی‌نهایت! آخه خدا امکان رسیدن به همه‌ی کمال‌ها و اسم و صفت‌های خودش رو توی ما گذاشته. ما فقط کارمون اینه که تو این دنیا رو خودمون کار کنیم و با کمک قانون‌های دنیا اون اسم و صفت‌ها رو تو خودمون شکوفا کنیم.

خوبیش اینه که این جوری با یه تیر دو نشون می‌زنیم!

هم شبیه خدا میشیم، هم خودمون رو با شرایط خونه‌ی اصلی مون هماهنگ می‌کنیم. بعدش هم چون به هدف خلقتمون رسیدیم، سالم و سلامت از این دنیا میریم و به خونه مون برمی‌گردیم! البته قطعاً حال و احوالمون موقع برگشتن به خونه، به مدلی که تو این دنیا زندگی می‌کنیم، بستگی داره! یعنی هرچی تو این دنیا بیشتر شبیه خدا بشیم، بعد از مردن و برگشتن به خونه‌ی اصلی خوشحال‌تریم و اوضاع و احوالمون بهتره.

اینم از جواب سوال مهم و تکراریه ما از کجا اومدیم. پیشنهاد میکنم چراغ این شماره رو چندبار گوش کنی!



Qr کد را اسکن کنید.